

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی
اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۲۱۷-۱۹۹

شیوه های غیر مستقیم تربیت جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث

نیره امانی / دانشجوی دکتری مدرسی معارف گرایش مبانی نظری اسلام^۱
عاطفه ملاحسینی / طلبه سطح دو حوزه علمیه شهید مطهری (ره) کرج

چکیده

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق است که شامل آن عده از عادات و روش هایی می شود که به غریزه جنسی مربوط می شود. این عادات اگر مطلوب باشد موجب رشد و کمال انسان است و اگر نامطلوب باشد به انحطاط فرد می انجامد. بدیهی است پرداختن به موضوع تربیت جنسی و آموزش راه و روشی که قرآن و روایات در این باب سفارش می کنند، می تواند به حفظ عفت و سلامت و پایداری خانواده ها کمک کند و به دنبال آن فساد و فحشا در جامعه کم می شود و سهل انگاری و بی اهمیتی به این مسئله موجب از بین رفتن حیا و حریم ها و فروپاشی خانواده ها و شیوع فساد و فحشا در جامعه می شود. در این مقاله سعی بر آن شده که از جنبه ی روان شناسی دینی به این مسئله پرداخته شود و از آثار و کتب روان شناسان اسلامی شیعی استفاده گردد و به این سؤال پاسخ داده شود که راه های آموزش اخلاق جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث چیست؟ این آموزش خود شامل تربیت مستقیم و غیر مستقیم می شود و ما تربیت غیر مستقیم را برگزیده ایم. لازم به ذکر است که از جنبه ارائه راهکارها به این مسئله پرداخته شده است.

کلید واژه ها: اخلاق جنسی، هویت جنسی، غریزه جنسی، تربیت غیر مستقیم جنسی.

1. NayereAmani@yahoo.com

مقدمه

اخلاق جنسی، آن قسمت از اخلاق است که شامل عادات و روش های بشری است که با گزینه جنسی بستگی دارد، و نقطه ی مقابل آن اخلاق نوین جنسی قرار دارد؛ اخلاق نوین جنسی در غرب بر اساس آزادی جنسی بنا شده است و فیلسوفان و اندیشمندان به تبلیغ آزادی جنسی و بیرون کشیدن تمتع جنسی به بیرون از کانون خانواده و اجتماع می پردازد و در صد انتقال و نشر عقاید خود در این زمینه به سایر نقاط جهان و از جمله کشورهای اسلامی هستند، از این رو، به خصوص در این زمان و به منظور جلوگیری از تهاجم فرهنگ اشتباه غرب، لازم است که به مطالعه دیدگاه اسلام و قرآن و روایات وارده از معصومین در زمینه اخلاق جنسی پرداخته شود و سعی بر آموزش و تبلیغ و انتشار هرچه بیشتر آداب و روش هایی که اسلام در این زمینه توصیه می کند، شود.

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق است که شامل آن عده از عادات و روش هایی می شود که به گزینه جنسی مربوط می شود. این عادات اگر مطلوب باشد موجب رشد و کمال انسان است و اگر نامطلوب باشد به انحطاط فرد می انجامد. بدیهی است پرداختن به موضوع تربیت جنسی و آموزش راه و روشی که قرآن و روایات در این باب سفارش می کنند، می تواند به حفظ عفت و سلامت و پایداری خانواده ها کمک کند و به دنبال آن فساد و فحشا در جامعه کم می شود، و سهل انگاری و بی اهمیتی به این مسئله موجب از بین رفتن حیا و حریم ها و فروپاشی خانواده ها و شیوع فساد و فحشا در جامعه می شود، به این سبب بر آن شدیم تا با استفاده از قرآن و حدیث به تحقیق در زمینه اخلاق و تربیت جنسی بپردازیم. لازم به ذکر است که اخلاق جنسی در علم روان شناسی از نظر روانی به مطالعه ی نیاز جنسی و بلوغ و تحولات دوران کودکی به نوجوانی می پردازد، و در علم جامعه شناسی از جهت تأثیری که بر جامعه دارد و در علم اخلاق اسلامی از جنبه ارائه راهکار ها به این مسئله پرداخته شده است. همچنین در تفسیر با بیان پیام های برگرفته از آیات الهی و در علم فقه از منظر احکام وارده که به دو دسته ی: احکام پیش گیرنده از انحراف جنسی و احکام مربوط به مجازات متخلفان تقسیم می شود، مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. در این تحقیق سعی بر آن شده که از جنبه ی روان شناسی دینی به این مسئله پرداخته شود و از آثار و کتب روان شناسان اسلامی شیعی استفاده گردد و به این سؤال پاسخ داده شود که راه های آموزش اخلاق جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از

منظر قرآن و حدیث چیست؟

پیشینه تحقیق

دین اسلام، دین جامع و کاملی است که در همه‌ی زمینه‌ها احکام و قوانین و توصیه‌هایی دارد و از جمله به آموزش اخلاق جنسی پرداخته و به آن اهمیت فراوان داده است، تا آنجا که در یکی از سوره‌های قرآن (سوره نور) به طور مفصل درباره‌ی این موضوع بحث کرده و روش‌هایی را جهت حفظ عفت و پاک دامن‌ی بیان نموده است و روایات فراوانی از ائمه‌ی معصومین وارد شده که به این مسئله اهمیت فراوان داده‌اند و شیوه‌های تربیت جنسی را آموزش داده‌اند، و همچنین در کتاب‌های تفسیری پیرامون آیات مربوط به عفاف، به این موضوع پرداخته شده است. از جمله‌ی کتاب‌هایی که در روند این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت عبارتند از: مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ۱۳۸۸. و همچنین فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، ۱۳۸۸. در کتاب شهید مطهری تنها به تعریف اخلاق جنسی، از دیدگاه غرب و اسلام پرداخته شده و با منطق و استدلال قوی نظریه‌های فلاسفه غرب را مورد انتقاد قرار داده و منطق عالی اسلام را بیان نموده است. اما تنها کتابی که انواع روش‌ها و مسائل تربیتی را در این زمینه بیان کرده بود و در این تحقیق کمک شایانی کرد اثر فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث بود.

معنای لغوی واژگان

حلم: الحاء واللام و المیم، اصولٌ ثلاثه: الاولُ ترکُ العجله، والثانی تَتَقَبُّ الشَّیء، الثالثُ رُؤیةُ الشَّیء فی المنام. (ابن فارس بن زکریا، ۲۴۹)

(ح. ل. م) ریشه سه معنایی دارد: اول به معنی صبر و ترک عجله، دوم: سوراخ کردن چیزی، سوم: دیدن چیزی در خواب.

حَلَمَ: رَأَى فِي نَوْمِهِ رُؤیَا. وَ حَلَمَ الصَّبِيءُ: أَدْرَكَ وَ بَلَغَ مَبْلَغَ الرِّجَالِ. وَ حَلَمَ بِهِ وَ عَنْهُ: رَأَى لَهُ رُؤیَا. وَ حَلَمَ الشَّیْءَ وَ بِهِ: رَأَهُ فِي نَوْمِهِ. أَلْحُلْمُ: مَا يَرَاهُ النَّائِمُ فِي نَوْمِهِ. جَمَعَهُ: أَحْلَامٌ. (أنیس،

۱۹۴-۱۹۵)

حَلَمَ: در خوابش رؤیا دید. و حَلَمَ الصَّبِيَّ: طفل به سن بلوغ رسید. و حَلَمَ به و عنه: برای او رؤیا دید. و حَلَمَ الشَّيْءَ و به: آن را در خوابش دید. الحَلْمُ: آنچه که می بیند شخص خواب بیننده در خواب و جمع آن أحلام است. و یکی از مترادف‌های واژه حَلْم، واژه‌ی بلوغ است. حَلَمَ الحَلْمُ: الرؤیا، يقال: حَلَمَ يَحْلُمُ إذا رأى في المنام. والحَلْمُ: الإحتلام، و يَحْمَعُ على الأحلام، والقاعِلُ حَالِمٌ و مُحْتَلِمٌ. والحَلْمُ: الأناه و يُجْمَعُ على الأحلام. (الفراهیدی، ۱۹۵)

حَلَمَ الحَلْمُ: خواب و رؤیا، می گویند: خواب دید هنگامی که در خواب بود. والحَلْمُ: جماع کردن و جنب شدن در خواب و جمع بسته می شود به صورت أحلام، و اسم فاعل آن حالم و محتلم است. الحَلْمُ: بردباری است و جمع آن أحلام است. و حَلَمَ: بردباری است و جمع آن أحلام است.

حَلَمَ الحَلْمُ و الحَلْمُ: الرؤیا، والجمع أحلام. يقال: حَلَمَ يَحْلُمُ إذا رأى في المنام. و حَلَمَ به و حَلَمَ عنه و تَحَلَّمَ عنه: رأى له رؤیا أو رآه في المنام. (ابن منظور، ۳۰۴)

حَلَمَ الحَلْمُ والحَلْمُ: خواب و رؤیا و جمع آن احلام است. می گویند: خواب دید هنگامی که در خواب بود. و حَلَمَ به و حَلَمَ عنه: برای او خواب دید یا او را در خواب دید.

حَلْم: حَلْمٌ بمعنى البلوغ: و هو عبارة عن حصول حاله فيها تنضبط النفس و تَتَخَلَّصَ عن الطيش والإضطراب و هيجان زمان الطفوليه (و إذا بلغ الأطفال منكم الحَلْمَ). (نور: ۵۹) أي زمان انضباط النفس و حصول حاله السكون و الاستقرار و التعقل. (مصطفوی، ۳۲۰/۲)

حَلْم به معنی بلوغ است و بلوغ عبارت است از حصول حالتی که در آن تعدیل می شود نفس و خالص و جدا می شود از کم خردی و اضطراب و هیجان زمان کودکی. و از همین معناست واژه‌ی حَلْم که در آیه‌ی پنجاه نه سوره نور قرار دارد. (و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند).

حَجَبَ: الحاء و الجیم و الباء أصلٌ واحد، وهو المنع. يقال: حجبتُه عن كذا؛ أي منعتُه. (ابن فارس بن زکریا، ۲۰۹)

(ح. ج. ب) ریشه‌ی تک معنایی دارد، و آن بازداشتن و محروم کردن است. گفته می شود: جلوگیری کردم از چیزی؛ یعنی محروم کردم او را از چیزی.

حَجَبَ بينهما و حَجَبَ حُجْبًا: حال. و حَجَبَ الشَّيْءَ: ستره. و حَجَبَ فلانًا: منعه من الدخول أو الميراث. إحتَجَبَ: إستتر. تَحَجَّبَ: إحتَجَبَ. وألحجاب: الساتر و الجمع الحجاب: حُجْبٌ.

(انیس، همان، ۱۵۶)

حَجَبَ بَيْنَهُمَا وَ حَجَبَ حُجْبًا: میان آن دو قرار گرفت و حائل و مانع شد. و حجب الشيء: پوشانید، پنهان کرد. وَ حَجَبَ فَلَانًا: او را از داخل شدن جلوگیری کرد یا او را از ارث بازداشت. اِحْتَجَبَ: ماضی باب افتعال و به معنای ناپدید شد، از دیدگان پنهان شده است. تَحَجَّبَ: ماضی باب تَفَعَّلُ و به معنی اِحْتَجَبَ یعنی ناپدید شده است. و الحجاب: روپوش، پوشاننده و جمع آن حُجُب است.

حَجَبَ: الْحَجَبُ: كُلُّ شَيْءٍ مَنَعَ شَيْئًا مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ حَجَبَهُ حَجْبًا. (الفراهیدی، همان، ۱۶۳)
حَجَبَ: الْحَجَبُ (کم کردن سهم ارث یا محروم کردن او): هر چیزی که محروم می کند چیزی را از چیزی، پس به معنی در پرده کرد و پوشاند هم هست.
حجب: الْحِجَابُ: السُّتْرُ. و إمرأه محجوبة: قد سِتْرَتْ بِسِ تَر. و حَجَبَهُ: أَي مَنَعَهُ عَنِ الدَّخُولِ. (ابن منظور، ۵۰)

حجب: الْحِجَابُ: پنهان شدن، پوشاندن. و إمرأه محجوبة (زنی که خود را پوشانیده است):
یعنی بوسیله پوششی خود را پوشانیده است. و حَجَبَهُ: یعنی محروم کردن او از داخل شدن.
حَجَبَ: أَنَّ الْحِجَابَ هُوَ الْحَائِلُ الْحَاجِزُ الْمَانِعُ عَنِ تَلَاقِي شَيْئَيْنِ أَوْ أَثَرَهُمَا. سِوَاءَ كَانَا مَادِيَيْنِ أَوْ مَعْنَوِيَيْنِ أَوْ مُخْتَلِفَيْنِ. (مصطفوی، همان، ۲ / ۱۹۵). و فی قول الله عزوجل: «و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب: ۵۳)

حجب، حجاب پوششی است که آن حائل و مانع و سدّی است از برخورد دو چیز یا برخورد اثر آن ها، خواه مادی باشند یا معنوی و غیر مادی یا یکی مادی باشد و دیگری معنوی و چنانچه خداوند عزوجل فرموده: (و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی [به عنوان عاریت] خواستید از پشت پرده بخواهید).

خلق: الْخَلِيقَةُ: الْخُلُقُ، وَالْخَلِيقَةُ: الطَّبِيعَةُ وَ الْجَمِيعُ: الْخَلَائِقُ. (الفراهیدی، همان، ۲۴۰)
خلق: به معنای الخلیقه است و الخلیقه و الْخُلُقُ وَ الطَّبِيعَةُ به معنای خوی و طبیعت و سرشت آدمی هستند و جمع الخلیقه، الخلائق است.

الغریزة: الطَّبِيعَةُ وَ الْقَرِيحَةُ وَ السَّجِيحَةُ. الغریزة فی الفلسفه: صوره من صَوْرَةِ النِّشَاطِ النِّفْسِ وَ طِرَازِ مِنَ السَّلُوكِ يَعْتَمِدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةِ وَ الْوَرَاثَةِ وَ جَمَعَهُ غَرَائِزُ. (انیس، همان، ۶۴۹)
الغریزة: به معنی سرشت و قریحه و خوی است و غریزه در فلسفه، صورتی از صورت های

رغبت نفس است و روشی از سلوک که تکیه دارد بر فطرت و وراثت و جمع آن غرائز است. الهویّه: فی الفلسفه: حقیقه الشیء أو الشخص الّتی تمیزه عن غیر. الهویه بطاقه: یتبث فیها اسم الشخص و جنسیته و مولده. (همان، ۹۹۸)

الهویّه در فلسفه به معنای حقیقت و اصل چیزی یا شخص است که سبب شناخته شدن او از دیگری می شود. و الهویه بطاقه: یعنی شناسنامه و چیزی که ثبت می شود در آن اسم شخص و جنسیت او و فرزندان او.

معنای اصطلاحی واژگان

خُلْم: خواب که دیده شود و جمع آن احلام است و از همین معناست احلام که در سوره یوسف آمده است. (حسینی دشتی، ۴/ ۶۴۶) «و ما نحن بتأویل الأحلام بعالمین». (یوسف: ۴۴) حجاب: پوشش و روگیری، س تر و عفاف. و در اصطلاح شرع به معنای پوشیدن زن خود را از نامحرم است که از دستورات اکید اسلام و از ضروریات و بدیهیات این دین و همه ی ادیان آسمانی است. (حسینی دشتی، همان، ۳۷۸)

اخلاق: خوی ها و روش ها آدمی در کارهای روزمره و شیوه های متخذ او در زندگی خویش است. و اخلاق جمع خُلُق یا خُلُق است. (همان، ۱۷/۲)

غریزه: سرشت و طبیعت و جمع آن غرائز است. غریزه ملکه ای است که از آن صفات ذاتی صادر می شوند، و خُلُق و خوی به غریزه نزدیک است به جز اینکه در خوی اعتیاد مداخله دارد ولی در غریزه چنین نیست. (همان، ۷/ ۵۹۷)

هویت: تشخیص، خود و اصل هر چیز. (همان، ۱۰/ ۵۵۳)

تعریف اخلاق جنسی

اخلاق جنسی، قسمتی از اخلاق به معنای عام است و شامل آن بخش از عادات و روش های بشری است که با غریزه ی جنسی بستگی دارد؛ این عادات و روش ها که عبارتند از: حیاء زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت به شوهر، س تر عورت، پوشاندن بدن زن از نامحرم، منع زنا، تحریم نظر بازی، تحریم ازدواج با محارم، حرمت نزدیکی با زن در دوران حیض، منع انتشار صور قبیحه و تقدس یا پلیدی تجرد، همگی جزء

مورد متضاد اخلاق جنسی

در مقابل اخلاق جنسی، آزادی بی‌حد و مرز جنسی قرار دارد که به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

آزادی جنسی: موضوع ارضای غریزه جنسی یکی از مواردی است که در جهان غرب، به مردم بیش از اندازه‌ی مصلحت آزادی داده شده است. بسیاری از دختران و پسران آن کشورها، در اثر آزادی بی‌حساب دچار تندروری شده و در اعمال غریزه‌ی جنسی به منجلاب فساد اخلاق سقوط کرده‌اند. (فلسفی، ۳۳۳/۲) متفکرین غربی معتقدند زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرت‌های آزادانه‌ی جنسی بهره‌مند شوند، بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه به شمار آید، و نیز باید اخلاق کهن در امور جنسی را واژگون کرد و اخلاق جدیدی را بر پایه‌ی آزادی جنسی بنا کرد. زیرا اخلاق جنسی کهن بر اساس محدودیت و ممنوعیت بنا شده و هرچه جنایت و ظلم و ناراحتی بر سر بشر آمده است، از خاطر همین محدودیت‌ها و ترس‌های ناشی از آن است. (مطهری، همان، ۲۵)

مورد مترادف اخلاق جنسی

مسئله‌ای که می‌توان آن را هم ردیف اخلاق جنسی بیان کرد موضوع تربیت جنسی است که به توضیح آن می‌پردازیم: مقصود از تربیت جنسی، این است که به گونه‌ای کودک را پرورش دهیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و راه و رسم عفت اسلامی، منش او باشد و در وادی شهوت سرگردان نشود. (فقیهی، ۲۰)

اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

خداوند عضوی از اعضای جسمانی را بیهوده آفریده است و نه استعدادی از استعدادهای روحی را، و همان طور که همه اعضای بدن باید حفظ شوند و به آن‌ها غذای لازم برسد، استعدادهای روحی از جمله استعداد جنسی نیز باید حفظ شوند به آن‌ها غذای لازم برسد تا

سبب رشد آن‌ها شود.

بنابراین اسلام معتقد است که باید استعدادهای روحی را پروراند و نباید آن‌ها را سرکوب کرد، بلکه باید آن‌ها را اشباع کرد؛ اما اشباع غریزه جنسی باید با دعایت اصل عفت و تقوا باشد، و تنها در سایه عفت و تقواست که می‌توان غریزه را اشباع کرد و جلوی هیجان‌های بی‌جا و ناراحتی‌ها و احساس محرومیت‌ها را گرفت. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است، از یک سو، قوانینی را برای زن و مرد وضع کرده که یکی از آن‌ها در بین زن و مرد مشترک است و مربوط به نگاه کردن است و دیگری مختص زنان است و مربوط به حجاب و خودداری از هر رفتاری که موجب تهییج جنسی مردان می‌شود، است. و از سوی دیگر، برای جلوگیری از طغیان و یا سرکوبی این غریزه دستور به اشباع آن در چارچوب ازدواج داده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد، و محیط اجتماع بزرگ، محیط کار و فعالیت باشد و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. (مطهری، ۵۱ - ۷۴) قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مومنون: ۵-۶-۷)

آنان که دامان خود را از گناه حفظ می‌کنند. مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانشان که به دست آورده‌اند، پس آنان [در آمیزش با این دو گروه] ملامت نمی‌شوند. پس هرکس که فراتر از این [همسر و کنیز] بخواهد، آنان کسانی هستند که متجاوزند.

کلمه (حَافِظُونَ) بیانگر این مطلب است که شهوت طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد و جمله‌ی (إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ) نشان دهنده‌ی این مطلب است، که در ارضای غریزه‌ی جنسی، محدودیت لازم است ولی ممنوعیت خلاف فطرت است و پیام جمله (غَيْرُ مَلُومِينَ) این است که حیای نابه‌جا ممنوع می‌باشد و همین که اسلام، انجام کاری را اجازه داده است، همه‌ی سنت‌ها و عادت‌ها و سلیقه‌های شخصی و مخالف دین، محکوم است. (قرآنی، ۸۴)

در ادامه به تأثیر نیازهای عاطفی و روانی و همچنین تأثیر دعا و اعمال دینی در تربیت جنسی و لزوم شکوفاسازی فطرت و پرورش حیا و عفت و غیرت در کودکان و نوجوانان پرداخته شده است.

آ- تأمین نیاز عاطفی- روانی

از آنجا که نیازهای عاطفی و روانی به طور غیرمستقیم در تربیت جنسی کودک موثر است، از این رو لازم است که این نیازها معرفی و شناخته شوند تا بتوان با توجه و پرداختن به آنها کودک را به وجه بهتری تربیت کرد. به این سبب در اینجا مواردی از این نیازها که بیشتر از بقیه، بر تربیت جنسی موثر است ذکر می‌شود. (فقیهی، همان، ۱۸۱)

۱- محبت کردن

کمبود محبت عوارض زیانباری بر روح و روان و حتی بر جسم کودک می‌گذارد، همان طور که محبت کافی به کودک، موجب رشد سالم جسمی، روحی و روانی او می‌شود و قابلیت‌های بسیاری را در وی ایجاد می‌کند. پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی کودک او را در حالت اعتدال روحی- روانی قرار می‌دهد و موجب افزایش اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی در کودک می‌شود. اما اگر این نیاز کودک ارضا نشود، مشکلات بسیاری را پدید می‌آورد و موجب می‌شود که او در آینده گرچه در زندگی موفق هم باشد، احساس بی‌ارزشی و خودکم بینی کرده و به خود و دیگران بی‌اعتماد شود، همچنین با محبت کردن به کودک می‌توان جلوی بسیاری از انحرافات را گرفت، زیرا یکی از عوامل مهمی که اطفال و نوجوانان را به سوی بزه کاری سوق می‌دهد، کمبود محبت است و نیز کودکانی که مورد بی‌مهری والدین و اطرافیان قرار می‌گیرند، این کمبود محبت زمینه‌ی انحراف جنسی را در آینده برای آنها فراهم می‌سازد. زیرا نوجوانی که در کودکی نیاز به محبت از ارضا نشده ممکن است با دیدن کمترین محبت از سوی جنس مخالفش جذب او شود.

از تأثیرات دیگر مهرورزی به کودک این است که او، شیوه‌ی محبت کردن به دیگران را می‌آموزد و موجب می‌شود که در آینده، بتواند به همسر و فرزندان و دیگران محبت کند. (حسینی زاده، ۸۹ - ۹۰) البته نکته مهمی که در مسئله‌ی محبت به کودکان باید به آن توجه داشت، این است که نباید تنها به محبت درونی بسنده کرد؛ زیرا محبت هنگامی مؤثر و مفید خواهد بود که آن را ابزار و کودک را از محبت خود به او آگاه کرد، و گرنه اصل محبت داشتن تنها برای محبت کننده می‌تواند مفید باشد، نه برای محبت شونده (حسینی، ۸۹). امام کاظم (ع) از پیامبر (ص) روایت می‌کند که فرمود: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِذَاتِ بَيْنِكُمْ» (مجلسی، ۱۸۲/۷۴) (هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت، این دوستی را به اطلاع او

برساند که این کار برای رابطه‌ی بین شما بهتر است.) و نیز از پیامبر درباره‌ی محبت و ترحم به کودکان روایت شده: «أَجِبُوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم، إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْضِبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانَ» (حرّعاملی، ۱۲۶/۵) (کودکان خود را دوست بدارید و به آن‌ها ترحم کنید، همانا خداوند بر هیچ چیزی خشم نمی‌گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می‌گیرد).

۲- نوازش کردن

یکی از بهترین وسایل پرورش صحیح عواطف کودکان، نوازش کردن و ابراز مهر و محبت نسبت به اوست. همان طور که کودک فطرتاً به غذا و آب و هوا و خواب احتیاج دارد، به محبت و نوازش نیز محتاج است، کودک از بوسیدن، در آغوش گرفتن، نوازش کردن، محبت نمودن، خشنود می‌شود و لذت می‌برد، و کودکی که از محبت خانوادگی و از مهر و نوازش پدر و مادر محروم مانده باشد، ضمیری افسرده و روحی ناشاد دارد. از این رو با نوازش کردن کودک نیاز درونی‌اش تأمین می‌شود و دیگر احساس کمبود نمی‌کند تا برای ارضای آن، جذب افرادی شود که از او سوء استفاده‌ی جنسی بکنند. (فلسفی، همان، ۱۵۰/۲) پیغمبر اکرم فرمود: «نَظَرَ الْوَالِدِ إِلَى وُلْدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ» (نوری طبرسی، ۱۷۰/۱۵) (نگاه محبت آمیز پدر به صورت فرزندش برای او عبادت است).

۳- ارزش دادن

احترام به کودک در روح وی تأثیری عمیق می‌گذارد، به طوری که این تأثیر در رفتار فرد بروز می‌کند، زیرا رفتار انسان‌ها بر پایه‌ی شناخت و دیدگاهی است که نسبت به خود دارند و معمولاً این شناخت از طریق نگاهی که دیگران به انسان دارند بدست می‌آید. بنابراین اگر والدین و اطرافیان کودک با بی‌احترامی با او رفتار کنند، و او را مورد تحقیر و سرزنش قرار دهند، شخصیت او به صورت شخصیتی وابسته، ذلیل، حقیر و منفی شکل می‌گیرد و اگر با او به طریقه‌ی احترام و اکرام رفتار کنند، شخصیت وی به صورت مستقل، عزیز و مثبت شکل می‌گیرد و به خود به دیده‌ی احترام می‌نگرد و در نتیجه رفتار وی سالم و به هنجار خواهد بود؛ بنابراین والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که بی‌احترامی، آثار منفی بسیاری در شخصیت کودک می‌گذارد، زیرا که تحقیر شخصیت کودک، آثار ضد تربیتی بسیاری را به دنبال دارد و هرگز نمی‌توان از کودکی که همواره مورد بی‌احترامی و اهانت قرار گرفته، انتظار نیکی داشت (حسینی‌زاده، ۱۰۳/۱-۱۰۴). امام هادی فرمود: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (مجلسی،

۳۰۰ / ۷۵) کسی که خودش را خوار ببیند از شر او بترس.

۴- هدیه دادن

والدین با هدیه دادن به کودکان خود، می‌توانند خود را به آن‌ها نزدیک کنند و نیز مانع از آن شوند که دیگران از این طریق بخواهند فرزندانشان را جذب خود کنند و به بی‌راهه برند و یا از آن‌ها سوء استفاده جنسی کنند (فقیهی، ۱۸۵-۱۸۶). رسول اکرم فرمود:

مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاسْتَرَى تُحْفَةً إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةً إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِيحٍ وَلْيَبْدَأْ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ ابْنَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَوَلِدَ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَقْرَّ عَيْنَ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ. (مجلسی، ۱۰۴ / ۶۹) کسی که به بازار می‌رود و برای اعضای خانواده‌ی خود هدایایی می‌خرد، مانند کسی است که برای تهیدستان و فقیران، صدقه می‌برد و بهتر است که دادن هدیه‌ها را از دختر شروع کند؛ چرا که کسی که دختر خود را شاد کند، مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسر را شاد کند، مانند کسی است از ترس خدا گریه کرده باشد، خداوند، او را وارد بهشت می‌کند.

۵- تأمین امنیت

کودکانی که ناایمن هستند و در خود احساس امنیت نمی‌کنند، به دنیای خارج اعتماد ندارند و از نزدیک شدن به انسان‌ها وحشت دارند، به همین دلیل از ازدواج فرار می‌کنند و یا در زندگی زناشویی خود، قادر به برقراری ارتباط صمیمانه با همسرانشان نیستند زیرا محبت همسرانشان را واقعی نمی‌دانند و عشق را به تمسخر می‌گیرند، بلکه این ویژگی از آن‌ها شخص ناامید، بدبین و مطرود از دیگران می‌سازد که نمی‌تواند مهر و احساس عاطفی به جنس مخالف داشته باشد و با او انس بگیرد، بنابراین بر والدین و مربیان لازم است که برای تأمین احساس امنیت در کودک تلاش کنند (حسینی‌زاده، ۱ / ۱۸۹-۱۹۰). آقای محمدرضا پوراحمدی لاله در کتاب روان‌شناسی کودک چنین نگاه‌شده است: معضلات بی‌مهری، تبعیض، جدایی پدر و مادر، جنگ و ستیز در خانه، همه و همه دیواری است، شکسته، که آوار آن تن نحیف کودک و نوجوان را در بر می‌گیرد. آن‌ها، خانه‌ای را می‌طلبند که ستون‌های آن به عظمت قامت پدر و مادر دلسوز باشد که هرگز نلرزد و خراب نشود (پور احمدی لاله، ۲۸۴).

بنابراین مسئولیت پدر و مادر بیشتر و مهم‌تر از دیگران (خواهران و برادران و مربیان)

می باشد.

ب- دعا کردن

برقراری رابطه ی عاطفی با خداوند و دعا کردن برای هدایت و سلامت جسمی و روانی فرزند و عدم پیدایش انحراف جنسی از جمله کارهایی است که به صورت غیر مستقیم در رشد سالم جنسی و پیش گیری از انحراف جنسی فرزندان موثر است؛ از جمله اقداماتی که می توان در این رابطه انجام داد عبارتند از (فقیهی، ۱۹۰- ۱۹۱):

۱- دعا کردن به هنگام انعقاد نطفه

از جمله اقدامات تربیتی که والدین قبل از بسته شدن نطفه می توانند انجام دهند از این قرار است:

یک- اولین شرط برای زن و شوهری که می خواهند جهت فرزند دار شدن، آمیزش کنند، استغفار و توبه کردن بسیار، قبل از اراده به این کار است.

دو- وضو گرفتن، زیرا اگر زن و شوهر وضو بگیرند فرزندشان از بخل و نفهمی و کوردلی در امان خواهد ماند.

سه- طلب فرزند سالم و صالح از خداوند و خواندن این دعا که امام صادق (ع) به نقل از امیرالمومنین (ع) بیان داشته (ملا احمدی، ۱۱۴- ۱۱۵): «إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي؛ فَإِنْ قَضَى اللَّهُ بَيْنَهُمَا وَلَدًا لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ بِشَيْءٍ أَبَدًا» (حرعاملی، ۲۰/ ۱۳۶). هنگامی که می خواهید آمیزش کنید، بگویید: بسم الله و بالله، خدایا! شیطان را از من و از آنچه به من عطا می کنی دور کن، پس اگر خداوند فرزندی به آنها عطا کند، شیطان، هرگز نمی تواند به او آسیبی برساند.

۲- آکنده کردن فضا از ذکر خدا

والدین باید پس از تولد کودک فضای زندگی او را از یاد خدا پرکنند و در گوش او اذان و اقامه بگویند تا با تأثیر در کودک، زمینه ی هدایت او فراهم شود، و نیز کودک از شر شیطان در امان باشد (فقیهی، ۱۹۲). سلیمان جعفری می گوید، شنیدم امام رضا می فرمود: «أَذِّنْ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ يَسْتَجِبُ مِنْ أَجْلِ الصَّبِيَّانِ (حرعاملی، ۵/ ۱۳۴)» در خانه ات اذان بگو که موجب دوری شیطان می شود و این کار برای کودک پسندیده است.

۳- آموزش دعا به کودک

عبادت ضمن اینکه هدف است، روش تربیت اسلامی هم هست. دعا خواندن که خود نیز به منزله‌ی عبادت است جزء روش‌های اساسی تربیت اسلامی است. در دعاهایی که خواندن آن‌ها از طریق پیشوایان معصوم توصیه شده است، غالباً مضمون دعا فرد را به عظمت مقام خداوند، نعمت‌های الهی، خودشناسی، خویش‌داری، اتصال به مبدأ و رشد و تکامل خود و اموری از این قبیل متوجه می‌سازد (شریعتی، ۲۳۹-۲۴۰). بنابراین آموزش دعا به کودکان تأثیر شگرفی در تربیت معنوی آن‌ها دارد. مقوله‌ی دعا و نیایش در مکتب اسلام آن‌چنان وسیع و غنی است که می‌توان آن را یک فرهنگ تلقی کرد؛ در این فرهنگ اولین موضوعی که توجه آدمی را به خود جلب می‌کند، جایگاه دعا و منزلت دعاست، که جایگاه بسیار والایی دارد و در این زمینه احادیث فراوانی از ائمه اطهار علیهما السلام نقل شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (شرفی، ۲۱۹-۲۲۰). در حدیثی از امام صادق درباره‌ی شأن دعا و نیایش آمده است: «الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (الکلبینی الرازی، ۲۲۹/۴) برآستی دعا همان عبادت است که خداوند عزوجل می‌فرماید: همانا کسانی که تکبر می‌ورزند از عبادت من به زودی خوار و زبون داخل دوزخ می‌شوند.

تلقی دعا به منزله عبادت به معنای گسترده‌گی آثار و برکات آن در زندگی است، زیرا عبادت، هدف است و نیز غایت حیات آدمی می‌باشد (شرفی، ۲۲۱) چنانچه خداوند عزوجل در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُنِي» (ذاریات: ۵۶) ما هیچ انسان و جنی را نیافریدیم جز برای اینکه به عبادت بپردازند. همچنین خداوند تبارک و تعالی در قرآن به آثار دعا اشاره فرموده و چنین می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (فرقان: ۷۷) (بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست، [زیرا سابقه‌ی خوبی ندارید] شما حق را تکذیب کرده‌اید و به زودی کیفر تکذیب‌تان دامن شما را خواهد گرفت). خداوند در یک جا می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُنِي» بشر را برای عبادت آفریدیم و در این آیه می‌فرماید: اگر دعای انسان نبود، او ارزشی نداشت، بنابراین دعا روح عبادت است (قرائتی، ۲۲۸/۸). و نیز احادیثی از معصومین علیهما السلام نقل شده که به آثار دعا اشاره دارند و از جمله‌ی آن‌ها حدیثی از امام صادق

است که می فرماید: «مَنْ تَخَوَّفَ [مِنْ] بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالِدُعَاءِ كَمَا يُرِيهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَدًا» (الکلبینی الرازی، ۴/ ۲۳۷) (هر که از بلائی بترسد و بوسیله دعا از گرفتاری به آن پیشدستی کند، خدای عزوجل هرگز آن بلا را بدو ننماید).

برای آنکه دعا کردن را به فرزندان آموخت، بهتر است والدین از سنین کودکی؛ یعنی از همان زمان که فرزندان را با نماز آشنا می کنند، آن ها را با برخی از تعقیبات مختصر که در قالب دعا بیان شده، مأنوس کنند. این امر در تقویت روح دعا و نیایش در کودکان بسیار مؤثر است. همچنین والدین باید با توجه به سن و میزان درک و فهم کودکان، برخی از آثار و برکات دعاها را به آن ها بیاموزند. زیرا انسان ها غایت گرا هستند و معمولاً هر عملی را با توجه به غایتی که در ذهن دارند انجام می دهند و هنگامی که از آثار و برکات دعا با خبر شوند، حق دعا را ادا می کنند (شرفی، ۲۲۸-۲۲۹).

ج- شکوفاسازی فطرت

از آنجا که خداوند متعال انسان را بر اساس فطرت توحیدی آفریده و همه ی انسان ها به طور فطری خداجو هستند، بنابراین والدین و مربیان کودک برای تربیت دینی (و بویژه تربیت جنسی) باید نیروی فطرت را در فرزندان شان بیدار کنند.

در پرورش های ایمانی و اخلاقی باید از دو نیروی فطری استفاده کرد، یکی فطرت معرفت که به نام وجدان توحیدی معروف است و دیگری فطرت خوب و بد که از آن به عنوان وجدان اخلاقی یاد می شود. وجدان توحیدی عبارت است از اینکه همه ی انسان ها بوسیله ی فطرت طبیعی خود یک قدرت نامحدودی که همان خداوند است را در باطن خود درک می کنند. وجدان اخلاقی یعنی نیروی دراکه ای که در باطن انسان وجود دارد و بدون راهنما، خوبی ها و بدی های اولیه را درک می کند (فلسفی، ۱/ ۲۸۲). و همچنین خداوند متعال در آیه ی سی سوره ی روم به فطرت توحیدی اشاره می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَاتَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰) پس روی خود را به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست، فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونی نیست، این است دین مستقیم ولی بیشتر مردم نمی دانند. و مراد از (اقامه ی وجه برای دین) روی آوردن به سوی دین، و توجه به آن بدون



غفلت است، درست مانند کسی که به سوی چیزی روی می‌آورد و همه‌ی توجهش را بدان معطوف می‌کند، به طوری که دیگر به هیچ طرفی روی بر نمی‌گرداند. و کلمه‌ی (فطرت) در جمله «حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» بر وزن فَعَلَتْ است و در کلمه‌ی مورد بحث به معنای نوعی از خلقت است و چنین معنا می‌دهد: که ملازم فطرت باش و بنابراین جمله‌ی مزبور اشاره می‌کند به اینکه، این دینی که گفتیم واجب است بر او اقامه‌ی وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت و فطرت الهی به سویش هدایت می‌کند، آن فطرتی که تبدیل پذیر نیست (طباطبایی، ۱۶/۲۲۶-۲۲۷). همچنین یکی از وظایف بزرگ پیامبران بیدار کردن فطریات بشر و به کار انداختن سرمایه‌های الهی انسان بوده است (فلسفی، ۱/۲۸۶)؛ و نیز والدین برای تربیت دینی کودکان باید از همین فطرت توحیدی استفاده کنند. امام علی در این باره فرموده‌اند: فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَيْبَانَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِيغِ وَيُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ (دشتی، خطبه‌ی اول، ۲۵). خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد تا بشر را به ادای پیمان فطرت و دارند و نعمت‌های فراموش شده خدا را یادآوری کنند و با فعالیت‌های تبلیغی خود نیروهای نهفته‌ی عقل را برانگیخته و به کار گیرند.

د- آموزش اعمال دینی

یکی از امور مهمی که والدین باید به آن توجه کنند و آن را در برنامه‌ی تربیتی کودکان قرار دهند، ملزم کردن کودک به انجام تکالیف شرعی و پرورش روح تعبد است، زیرا این اعمال کودکان را وظیفه‌شناس و متعهد به بار می‌آورد. اولیای کودک این کار را می‌توانند در دو مرحله انجام دهند: مرحله اول، توجیه کردن کودک نسبت به ضرورت انجام تکالیف دینی است، که اولیای کودک باید سعی کنند در فرصت مناسب و به مقدار فهم و درک کودک در نزد او از خدا و پیامبر با عظمت یاد کنند و مهربانی و الطاف خدا را به او یاد آوری کنند و نعمت‌های الهی را بازگو کنند و بدین وسیله در ابتدا مهر و محبت خدای متعال را در دل کودک تثبیت نمایند، سپس به او بفهمانند که تدوین احکام و تکالیف الهی و فرستادن پیامبران نیز از الطاف خداوند و برای تأمین سعادت بشر در دنیا و آخرت است، بنابراین هر کس که می‌خواهد به سعادت برسد باید به وظایف دینی خود عمل کند و بدین گونه شوق و رغبت به

انجام تکالیف را در کودک پرورش دهند.

مرحله دوم، شروع به عمل و عادت کردن است (امینی، ۲۹۶). والدین باید زمینه های تحقق عبادت در بزرگسالی را از همان ابتدای تربیت کودک بوجود آورند تا در سنین بزرگسالی که تکلیف عبادت در قالب نماز، روزه، حج و غیره متوجه انسان می شود، عمل به آن همراه با گرایش قلبی و بدون هیچ گونه مشقت و سختی باشد (اعرافی، ۸۵)؛ البته باید به توان جسمی و مقدار شعور کودک دقت داشته باشند و هرگز او را وادار به انجام کارهای دشوار نکنند زیرا ممکن است موجب تنفر کودک شود (امینی، ۲۹۷). لازم به ذکر است که والدین کودک باید در پرورش ایمان و اخلاق کودک شتاب کنند و کمترین فرصت را نیز از دست ندهند و باید در اولین موقع دل کودک را به حبّ خدا و محبت پیشوایان الهی متوجه کنند (فلسفی، ۱۸۰/۱)؛ زیرا امام صادق در این باره می فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبَقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرَجَّةُ» (الکلینی، ۴۷/۶) احادیث اسلامی را به فرزندان خود هرچه زود تر بیاموزید قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دل های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند.

ه- پرورش حیا در فرزند

حیا یکی از فضایل اخلاقی بسیار مهمی است و در برخی روایات هم ردیف دین و در بعضی دیگر به تمام دین معرفی شده است، زیرا حیا انسان را از ارتکاب هر عمل زشت و ناپسند باز می دارد که یکی از آنها شهوت جنسی در خارج از محدوده ازدواج است؛ از این رو والدین باید تلاش کنند این خصیصه را در فرزند خود پرورش دهند (فقیهی، ۲۰۴).

و- پرورش عفت در نوجوان

یکی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه انسانی عفت است. ملکه ی عفت آدمی را در اعمال تمایل جنسی تعدیل می کند و انسان را از پلیدی های شهوت حفظ می کند، بنابراین والدین موظف اند که آن را در نوجوان خود پرورش دهند (فلسفی، ۳۲۹/۲). امام باقر فرمود: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَفَرَجٍ» (حرّعاملی، ۲۴۹/۱۵) خداوند به چیزی برتر از خویشتن داری شکم و دامن، پرستش نشده است.

ز- پرورش غیرت در نوجوان

غیرت یک فضیلت اخلاقی است که در تربیت جنسی در دوره‌ی نوجوانی اهمیت ویژه‌ای دارد، پرورش غیرت در نوجوان موجب می‌شود که پسر، نسبت به دختران، با شهوت ننگرد. دختر نیز به نامحرمان با دیده‌ی شهوانی نگاه نکند. و از این طریق غیرت می‌تواند دختران و پسران را از بسیاری از رفتارهای نابه‌هنجار جنسی باز دارد. انسان غیور اجازه نمی‌دهد که دیگران بدون هیچ حقی از ناموس او سوء استفاده کنند (فقیهی، ۲۱۱). امام علی فرمود: «ما زنی غیور قطاً» (دشتی، حکمت ۳۰۵، ص ۵۰۲) آن کس که غیرتمند است، هرگز زنا نمی‌کند. از آنجا که نوجوانان به حکم فطرت پاک خویش هرگونه رفتار نابه‌هنجاری نسبت به خانواده‌ی خود را بر نمی‌تابند، بدیهی است که اگر در دوران کودکی این روحیه سالم بماند و به خوبی پرورش یابد، در دوران نوجوانی و جوانی دست مایه‌ی بسیار ارزشمندی برای انسان خواهد بود (حاجی آبادی، حسین‌زاده، ۱۱۴).

نتیجه: والدین می‌توانند از طریق دعا کردن و آموزش اعمال دینی و شکوفاسازی فطرت در کودکان خود و نیز از طریق تأمین نیازهای عاطفی آن‌ها و پرورش حیا، عفت و غیرت در فرزندان، راه نفوذ بسیاری از انحرافات را در آن‌ها مسدود کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم تربیت جنسی در دوران کودکی و نوجوانی و عمل کردن به این شیوه‌ها که تا چه اندازه مانع از ایجاد انحراف در فرزندان می‌شود، بر هر پدر و مادر مسلمانی لازم است که برای پرورش نسلی پاکیزه و سالم که در تعبیر قرآن کریم، تحت عنوان باقیات الصالحات از آن یاد شده است و نیز جهت ساختن جامعه‌ی ای سالم و به دور از آلودگی و التهاب، از این آداب و روش‌ها مدد بجویند، زیرا با آگاهی از این شیوه‌ها و منش‌هاست که مشخص می‌شود، والدین تا چه اندازه با تربیت صحیح در ساختن جامعه موثر و سهیم هستند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۴.
 نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، مشهد: انتشارات امامت، ۱۳۸۴.

ابن فارس، ابوالحسین، *ترتیب مقایس اللغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، الطبعة الجديدة، بیروت: موسسه الإحیا التراث العربی، ۱۴۱۶ق.

أحمد بن حنبل، *مسند أحمد*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
اعراف، علی رضا، دیگران، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶.

امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، چاپ دوم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
انیس، ابراهیم، دیگران، *معجم الوسیط*، الطبعة الرابعة، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
پور احمدی لاله، محمدرضا، *روان‌شناسی کودک*، چاپ سوم، تبریز: انتشارات نورقلم، ۱۳۷۸.
حاجی آبادی، محمدعلی، حسینی زاده، علی، *بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات*، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان فرهنگی هنری شهرسازی تهران، ۱۳۸۶.
حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الوسائل الشیعه*، بیروت: موسسه آل البیت (ع) الأحیا التراث، بی تا.
حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مفید، ۱۳۷۶.
حسینی، داود، *روابط سالم در خانواده*، چاپ هفدهم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
حسینی زاده، علی، *سیره ی تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، چاپ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

خلیل بن احمد، *العین*، الطبعة الاولى، قم: موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق.
سالاری فر، محمدرضا، *درآمدی بر نظام خانواده*، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰.
شرفی، محمدرضا، *تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره)*، چاپ اول، تهران: موسسه نشر پنجره، ۱۳۷۹.

شریعتمداری، علی، *اصول و فلسفه ی تعلیم و تربیت*، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه ی تفسیر المیزان*، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، چاپ بیست و هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۸۸.
فقیهی، علی نقی، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۸.

فلسفی، محمدتقی، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱.

قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، چاپ هشتم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

شبهه‌های غیر مستقیم تربیت جنسی در دوران کودکی و نوجوانی از منظر قرآن و حدیث

۲۱۷

کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه و شرح اصول کافی، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، چاپ نهم، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۹.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، البحار الانوار، تهران: المکتب الاسلامیه، بی تا.
 محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، چاپ بیست و نهم، قم: سبط اکبر (ع)، ۱۳۸۸.
 مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، چاپ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۸.
 _____، آشنایی با قرآن، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۷.
 _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
 معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران: نشر ندا، ۱۳۸۱.
 مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
 ملامحمدی، محسن، ازدواج و تربیت انسان قبل از تولد، چاپ اول، قم: شاکر، ۱۳۸۲.
 نراقی، احمد، معراج السعاده، مصحح: رضا مرندی، چاپ اول، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۷۷.
 نورمحمدی، غلام رضا، میل جنسی؛ صعود یا سقوط، چاپ اول، بی تا، بی جا: آفاق غدیر، ۱۳۸۸.
 نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسیله، بیروت: موسسه آل البیت (ع) الاحیاء التراث، بی تا.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

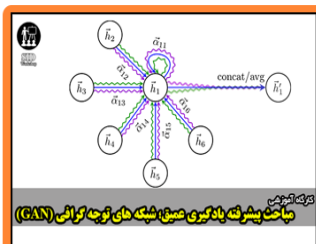


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی